

لطیفه

علی گودرزی



بچه‌ی تیل: آقای دکتر! چه کار کنم لاغر بشوم؟
 دکتر: «کاری ندارد فقط چندبار سرت را باید به چپ
 بعد به راست بگردانی!»
 بچه: «آخ جان! فقط همین؟ چه وقت‌هایی؟»
 دکتر: «وقتی به تو خوراکی تعارف می‌کنند!»



اولی: اگر گفتمی به زنبورهایی که از کندو محافظت
 می‌کنند، چه می‌گویند؟
 دومی: خسته نباشید!



اولی: «اگر گفتمی پایان دنیا چیست؟»
 دومی: «الف!»



مریض قبل از عمل آپاندیس
 از دکتر پرسید: «آقای دکتر،
 بعد از عمل می‌توانم نی بزدم؟»
 دکتر: «معلوم است که
 می‌توانی!»
 مریض: «چه عالی، چون
 قبلش بلد نبودم نی بزدم!»

چیست این چیست آن

• طیبه شامانی

۱ با این که دارم چارپا
از چارپایان نیستم
هم چوبی ام هم آهنی
حالا بگو من چیستم؟

۲ تو کوچه پا به پاتم
من ماشین پاهاتم

۳ می برم و بال دارم
یک شنل قرمز خال خال دارم

۴ یه گل دارم
هزار تا سوزن
دست بزرگی
دستات می سوزن



مردی، یک مرغ بریان خرید.
فروشنده: «چهار تکه اش کنم یا هشت تکه؟»
مرد: «چهار تکه لطفاً! هشت تکه زیاد است نمی توانم
بخورم!»



اولی: «یک ماشین حساب به یک دانش آموز چی
می گوید؟»
دومی: «می گوید می توانی روی من حساب کنی!»